

انسان و تناسل مسکن

چاپ سوم (ویرایش دوم)

آموس رابنپورت
ترجمه خسرو افضلیان

انسان و تناسل مسکن

آموس راپوپورت
ترجمه خسرو افضلیان

انتشارات تخصصی هنر،
معماری و شهرسازی

کتابخانه کسری

راپوپورت، ایماس، ۱۹۲۹-م.

Rapoport, Amos

انسان شناسی مسکن / آموس راپوپورت: ترجمه خسرو افضلیان.

مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۵.

۲۰۸ ص: مصور.

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۹-۱۲-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Pour une Anthropologie de la maison

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: معماری - عوامل اقلیمی

موضوع: Architecture and climate

موضوع: مسکن

موضوع: Dwellings

موضوع: معماری بومی

موضوع: Vernacular architecture

شناسه افزوده: افضلیان، خسرو، ۱۳۲۰-، مترجم

رده بندی کنگره:

۱۳۹۵ الف ۸/۲، NA۲۵۴۱

۷۲۰/۴

۴۳۱۳۲۱۱

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



کتابکده تخصصی هنر، معماری و شهرسازی کسری

انسان شناسی مسکن

آموس راپوپورت

مترجم: خسرو افضلیان

ویراستار: کتایون یوسفی

طرح روی جلد: مینو جامی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۸

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۲

چاپ سوم (ویرایش دوم): تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۵۰۹ - ۱۲ - ۹

انتشارات: کتابکده کسری

نشانی انتشارات: مشهد - فلسطین ۱۴ - پلاک ۱۰ تلفن: ۰۵۱ ۳۷۶۷۰۰۱۹

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات محفوظ می باشد.

مرکز پخش: کتابکده کسری

تلفن: ۰۵۱ ۳۸۴۳۵۵۳۱ همراه: ۰۵۱۲۴۲۱۹ - ۰۹۱۵

فهرست مطالب

۷	درباره مؤلف.....	فصل اول
۹	مقدمه مترجم.....	فصل دوم
۱۵	ماهیت و تعریف موضوع.....	فصل سوم
۲۲	تمایز و ماهیت ملاک‌ها	
۲۶	دلیل تحقیق	
۲۹	روش تحقیق	
۳۲	هدف تحقیق	
۳۹	نظریه‌های مختلف درباره فرم خانه.....	فصل چهارم
۳۹	اقلیم و نیاز به سرپناه	
۴۵	مصالح و شیوه ساخت و تکنولوژی	
۵۰	سایت	
۵۳	دفاع	
۵۶	اقتصاد	
۶۱	مذهب	
۶۵	نقد کلی از جبرباوری فیزیکی	
۷۷	عوامل اجتماعی - فرهنگی و فرم خانه.....	فصل پنجم
۷۷	فرضیه پایه	
۸۰	نیروهای اجتماعی - فرهنگی و فرم	
۹۰	وضعیت بحرانی و انتخاب	
۹۲	نیازهای اساسی	
۱۰۳	روابط خانه و مجتمع زیستی	
۱۰۷	سایت و انتخاب آن	
۱۱۳	تداوم و تغییر	
۱۲۵	اقلیم: عامل تغییر دهنده.....	فصل ششم
۱۲۷	مقیاس اقلیمی	
۱۲۹	راه‌حل‌های مستقل از مصالح	
۱۳۱	روش تحقیق	
۱۳۱	متغیرهای اقلیمی و پاسخ‌های آن	
۱۵۱	روش‌های ساخت، مصالح و تکنیک: عوامل تغییر دهنده.....	فصل هفتم
۱۵۴	فرآیند احداث	
۱۵۶	مصالح؛ دلایل انتخاب	
۱۵۸	قابلیت جابجایی	
۱۵۹	پیش‌ساختگی	
۱۶۰	نیروهای جانبی	
۱۶۱	فرسایش	
۱۶۵	نیروهای ثقلی	
۱۷۷	نگاهی به امروز.....	فصل هشتم
۱۷۹	کشورهای در حال توسعه	
۱۸۱	وضعیت فرهنگ ما [غرب]	
۱۸۶	نتیجه‌گیری	
۱۹۱	کتاب‌شناسی.....	

درباره مؤلف

آموس راپوپورت؛ استاد معماری کالج دانشگاه لندن که معماری را در دانشگاه رایس و شهرسازی را در دانشگاه ملیورن به اتمام رسانده است، با بهره‌گیری از تجارب ارزنده علمی، عملی و نظری به تدوین اثر فوق پرداخته است. راپوپورت علاوه بر تجارب ارزنده علمی و نظری در زمینه آموزشی، علاقه زیادی به مسافرت و مشاهده و تحقیق در زمینه فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف و سنن آنها، ابتداء از محیط پیرامون خود، استرالیا و اقیانوسیه و جوامع ابتدایی و بومی اقیانوس اطلس آغاز نمود و به این محدوده جغرافیایی بسنده نکرد و به طرق مختلف به بررسی و شناخت شیوه‌های ساخت و تمدن و سنن اقوام و ملل مختلف آسیا و دیگر نقاط، آمریکای لاتین، جنوب مدیترانه و کشورهای غربی نیز مبادرت کرده است. مصمم بودن او به تحقیق، او را بر آن داشت تا به مسافرت‌های مختلف و دراز مدت بپردازد. مدتی در آمریکا به مطالعه در آداب و رسوم اقوام و تمدن‌های اولیه آن سرزمین (خصوصاً سرخ‌پوستان) گذراند که زمینه را جهت مطالعات مقایسه‌ای و به عمق بردن آن میسر نمود. با توجه به دامنه و اهمیت مطالعات او و نیز روند مطالعاتی که در پیش گرفته، دولت استرالیا هزینه‌های مطالعاتی او را به شکل بورس‌های مختلف در اختیار این محقق دانشمند قرار داد و تلاش‌های او را در زمینه ادامه فعالیت‌های تحقیقاتی‌اش تسهیل نمود تا بتواند مدت طولانی در سرزمین‌های مختلف اقامت کرده و به تحقیقات مقایسه‌ای خود ادامه دهد. مدتی را در فرانسه اقامت کرد و به مطالعات خود پرداخت. به دلیل اهمیت این مطالعات، او از بورس‌های دول متعددی استفاده کرد و دولت فرانسه نیز در این راه او را یاری نمود. او تنها به مطالعه در جوامع ابتدایی و بدوی اقیانوسیه و استرالیا و سرخ‌پوستان قاره آمریکا و کانادا و یا بعضی از کشورهای آمریکای جنوبی و لاتین بسنده نمی‌کند و همانطور که در کتاب حاضر مشاهده می‌گردد، مطالعات میدانی و مقایسه‌ای خود را به کشورهای اروپای مرکزی و شرقی یعنی کشورهای اسلامی و حوزه مدیترانه و آسیای جنوب شرقی نیز می‌کشد و ضمن ارائه مثال‌های بسیار متعدد و متنوع، سعی دارد دیدگاهی نظری و نسبتاً جامع در مورد تأثیر عوامل مختلف بر شکل بنا و به ویژه مسکن ارائه نماید. مثال‌های ارائه شده چه در آفریقا یا نقاط دیگر صرفاً به بناهای گذشته نمی‌پردازد، بلکه به دوران معاصر و معماری امروز نگاهی بسیار دقیق دارد که حکایت از به روز بودن نه تنها اثر بلکه دیدگاه او دارد. هرچند زمینه صحبت معماری بومی و مردمی است، اما به خوبی همین دیدگاه و شیوه برخورد در مورد فضای مسکونی و اصولاً معماری در دوران معاصر نیز صدق می‌کند و واجد اهمیت بوده و جای درنگ و تعمق دارد.

بنابراین برداشتی که راپوپورت از مشاهدات و بررسی‌ها و یافته‌های خود در کتاب حاضر ارائه می‌کند هم حکایت از عمق مطالعات و هم نو بودن و به روز بودن آن دارد. نقش بالقوه‌ای که راه‌حل‌های سنتی و مردمی در فنون پیشرفته داشته و دارد و یا در اختیار آن قرار می‌دهند و غالباً از آمیزش معقولانه راه‌حل‌های پیشرفته با راه‌حل‌های سنتی و مشارکت آنها در شیوه ساخت و ساختمانی کشورهای جهان سوم حاصل می‌گردد گواه بر این نقطه نظر است. از سویی راپوپورت می‌گوید «در فرهنگ ما نیز این مسئله دیده می‌شود، زیرا اساساً بسیاری تصمیم‌گیری‌های مربوط به نظم و ساماندهی فضا بر پایه ارزش‌ها یا سیستم‌های ارزشی که بر افسانه‌ها و اساطیری که جوامع ما آنها را ساخته و پرداخته‌اند، انجام می‌شود». بنابراین برای معمار، جامعه‌شناس، شهرساز، قانون‌گذار، طراح و... دسترسی به چنین بستر ادراکی و مفهومی و شاید هم فضایی، این فایده عملی را دارد که می‌تواند برای تعیین خصوصیت و ویژگی محیط زیست که از طریق روابط خود با یک فرهنگ معین تعیین

می‌گردد - که خصوصیتی جهان شمول نیست - بهره بگیرد.

اشاره شد که دیدگاه‌های ارائه شده در کتاب حاضر و دیگر آثار راپوپورت هم عمیق و هم نو هستند. اگر نگاهی به آثار برخی دیگر از معماران مطرح امروز داشته باشیم به همان دیدگاه‌ها و دلمشغولی‌ها نزدیک خواهیم شد؛ گرچه به شیوه دیگری بیان شوند. نگاهی سریع به آثار دیگر معماران صاحب نام این روزها و اندکی کنجکاوی در شیوه برخورد و نگاه آنها به معماری، ما را به عقاید و دیدگاه‌های نظری و طریقه معماری کردن یعنی روش عملی آنها هدایت خواهد کرد. متوجه خواهیم شد که هم الکساندر و هم پیانو از عدم توجه به فاکتورهای اجتماعی، فرهنگی، زمینه، سنت، عشق به خاک و... از سوی معماران شکایت دارند و عدم موفقیت معماری را در پرداختن سطحی و یک بعدی به معماری - که حرفه‌ای است اصیل، بسیار دشوار، ظریف و پیچیده - می‌دانند و خود از این نگرش تک بعدی سخت پرهیز دارند. به عنوان مثال پیانو در بسیاری از کارهای خود به خصوص مرکز فرهنگی نومه‌آ در کالدونی جدید بر تأثیر دقیق عوامل فوق از میان دیگر عوامل - خصوصاً عوامل فرهنگی، محیطی و... - تأکید جدی دارد.

راپوپورت در دهه‌ها قبل در اثر پیش رو، خبر از همین دلمشغولی‌ها و توجه به ارزش‌ها می‌دهد و به درستی می‌گوید که ضمن نقش روشن فرهنگ در تعیین شکل اما تنها عامل نمی‌تواند نقش تعیین کننده باشد و از تک ساحتی کردن معماری مانند هر پدیده دیگر هنری و... باید اجتناب شود.

کار علمی راپوپورت تنها به مطالعه و تحقیق و سپس انتشار آنها که کتاب حاضر نمونه‌ای از آنهاست، خلاصه نمی‌گردد. طراحی، معماری و هنرهای مدرن از دیگر کارهای با اهمیت اوست. او دارای سابقه طولانی در تدریس و کارهای عملی در نقاط مختلف می‌باشد، از جمله مدتی در دانشگاه برکلی آمریکا به تدریس اشتغال داشته است و به هدایت کارهای تحقیقاتی پرداخته و مدتی در دانشگاه ملبورن در استرالیا تدریس داشته است. انتشار متون متعدد در زمینه‌های حرفه‌ای از جمله دیگر کارهای اوست. کتاب انسان شناسی مسکن که پیش روی دارید، نمونه‌ای از کارهای ارزنده آموس راپوپورت است.

مقدمه مترجم

در زمانی که زمینه‌های مختلف فعالیت‌های انسان از دیدگاه‌های خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد و دلیل وجودی هر پدیده با عوامل محدود و گاه تنها یک عامل بررسی و سنجش می‌شود، زمانی که توضیحات نارسا سعی در تحریف اکثر مسائل دارد و اگر به تحریف کامل آن‌ها قادر نگردند، در بی‌محتوا کردن آن فروگذاری نمی‌کنند، به سهولت می‌توان دریافت که برخورد با ابداع‌های گوناگون او چه سرنوشتی را خواهد داشت. محیط‌زیست و در متن آن مسکن و ساختمان از ابداعات و دست ساخته‌های بدیع و همیشگی انسان در هر فرهنگ و تمدن بوده و هنوز از تازگی، شگرفی، مطلوبیت و پیچیدگی در تمام ابعاد برخوردار است. به این جهت مسکن و فضا به دفعات مورد توجه متخصصین مختلف (معمار، شهرساز، جامعه‌شناس، اقتصاد دان، روان‌شناس، ادیب و...) قرار گرفته است. هر یک آن را از منظری مورد ملاحظه و بررسی قرار داده‌اند. یقیناً این مطالعات حاوی نکات آموزنده بسیاری هستند، اما هر کدام در بررسی خود عمداً یا سهواً جنبه‌ای به خصوص را برجسته کرده و در محوریت قرار داده است. مسکن به عنوان پدیده‌ای ساده و هم‌زمان پیچیده به عنوان فضایی فیزیکی (با توجه به کلیه عوامل تأثیرگذار بر آن) و نیز فضایی فرهنگی، اجتماعی، دفاعی و...، یعنی پدیده‌ای چند ساحتی و یا بهتر بگوییم، موجودی زنده، کمتر مورد بررسی دقیق و کالبدشکافی قرار گرفته است. از این نظر برخورد آرموس راپوپورت در کتاب *انسان‌شناسی مسکن* برخوردی نسبتاً جدید است. هر چند که کلیه زمینه تفکرات او برای خواننده آگاه تا حدودی شناخته شده باشد. برخورد راپوپورت روشی است تازه؛ او با تکیه بر تجربه شخصی و منابع بیشمار مدون و غیر مدون و با کمک گرفتن از نمونه‌های بسیار زیاد و متنوع بنا در بسترهای متفاوت و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، با تلاشی خستگی‌ناپذیر دست به کالبدشکافی بنا و مسکن و تا حدودی محیط زیست می‌زند و به مطالعه‌ای تطبیقی متکی بر ضوابط علمی به تحلیل زمینه فوق می‌پردازد. راپوپورت می‌گوید: «شکل بنا متأثر از عوامل مختلف است». به بیانی دیگر «شکل مصنوع - بنا یا مسکونی - نمی‌تواند متأثر از عاملی واحد باشد، هر چند نقش آن فاکتور بسیار با اهمیت باشد. شکل متأثر از عوامل مختلفی است که هر یک در رابطه با نقش و اهمیتی که در ایجاد آن دارند به وجود آمده است». بنابراین نسبت دادن شکل به یک عامل و یا پر رنگ کردن بیش از حد یک عامل در تعیین شکل بنا حکایت از دیدگاهی جزم‌اندیشانه و انعطاف‌ناپذیر دارد.

مسکن، فضایی چند ساحتی، حاصل کنش عوامل مختلف و اساساً پدیده‌ای فرهنگی است (فرهنگ در معنای وسیع آن). مسکن نه تنها پدیده‌ای است فرهنگی بلکه فضایی است که عامل فرهنگ در ایجاد و شکل دادن به آن تأثیر دارد. از میان عوامل مختلفی که هر یک به طریقی در چگونگی شکل دادن به آن نقش دارند، بعضی از عوامل دارای تأثیر شاخص‌تری هستند؛ به این دلیل گفته می‌شود دو گروه عامل در تعیین شکل مسکن مؤثرند: عوامل تعیین‌کننده و عوامل تأثیرگذار. بنا به عقیده بسیاری از جمله راپوپورت، به فرهنگ به عنوان فاکتور تعیین‌کننده می‌توان اشاره کرد. هر چند مؤلف تلاش در عمده کردن عامل فرهنگی دارد، دیدگاه‌های بسیاری نیز بر عامل فوق تأکید می‌نمایند. زیرا اساساً مسکن و محیط زیست یا هابیتا نمی‌تواند به دور از تأثیر عامل فرهنگی باشد و این امر در تمام جوامع انسانی به خوبی دیده می‌شود. از سویی نباید و نمی‌توان اهمیت نقش عوامل دیگر مانند عامل اقتصادی، تکنولوژی، اقلیمی، مصالح، قابلیت، مهارت و... را نادیده گرفت که راپوپورت خود به این زمینه‌ها می‌پردازد.

نکته دیگر اینکه گفته می‌شود راپوپورت بیشتر به موارد استثنایی پرداخته و مثال‌ها و نمونه‌های مورد بررسی در کتاب او در مکان‌های خاص، جزایر و قبایل انتخاب شده‌اند. هر چند این نکته تا حدودی می‌تواند درست باشد، اما در تمام طول اثر به نمونه‌های بسیار متعدد و متنوع در کشورهای مختلف برخورد می‌کنیم که باعث می‌گردد اثر او همچنان از تازگی و اهمیت انکارناپذیری برخوردار باشد و به خاطر همین ویژگی، کتاب فوق را می‌توان به عنوان اثری کلاسیک در ادبیات معماری عنوان نمود؛ هر چند که انتقادهایی به آن وارد باشد. از آنجا که مطالب ارائه شده در کتاب و روش پرداختن به آن می‌تواند کمک قابل ملاحظه‌ای به درک و فهم شکل بنا و خصوصاً شکل مسکن در معماری بومی و مردمی بنماید و نیز تنوع نمونه‌های مورد بررسی که فرهنگ‌های متعدد مختلف را دربرمی‌گیرد، بر ویژگی اثر می‌افزاید، ترجمه این اثر می‌تواند از اهمیت برخوردار باشد، که امید است مورد توجه علاقه‌مندان خصوصاً دانشجویان معماری و دیگر رشته‌ها قرار گیرد.

برگردان اولیه کتاب حاضر از روی متن فرانسوی کتاب راپوپورت - که از انگلیسی به فرانسه برگردانده شده است - انجام شده است. بنابراین تفاوت‌هایی با متن انگلیسی آن خواهد داشت که باید مورد توجه خوانندگانی که به متن انگلیسی آن آشنا هستند قرار گیرد.^۱ **انسان شناسی مسکن** نیز برگردان عنوان نسخه فرانسوی این اثر آموس راپوپورت است که نسخه اصلی انگلیسی آن تحت عنوان **فرم، خانه و فرهنگ** به چاپ رسید. با توجه به مطالبی که در این اثر همچنان بدیع و به روز طرح شده و نوع نگاهی که در طرح مسائل از سوی مؤلف بکار برده شده است، من هم عنوان فرانسه آن را مناسب تشخیص داده و برای این ترجمه برگزیدم.

در برگردان کتاب تلاش گردیده تا آنچه موردنظر مؤلف بوده و اصالت متن و نوشته‌های او با نهایت امانت‌داری به خواننده منتقل گردد و چنانچه کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد، متوجه مترجم بوده و امید است با خاطرنشان کردن آن از سوی خوانندگان محترم، مترجم را مورد عنایت قرار داده تا در چاپ‌های دیگر به رفع آن پرداخته شود.

با این نقل قول که چکیده نظرات صاحب‌نظران متعدد درباره اثر راپوپورت است، مقدمه را به پایان می‌برم: «روش برخورد و تحلیل راپوپورت با مسئله مسکن و سکنی گزیدن یک بار دیگر به خوبی نشان می‌دهد که استدلال‌های یک جانبه و تک بعدی یا روش‌های بررسی جزم‌اندیشانه نمی‌توانند صور متفاوت و اشکال مختلف و متنوعی که مسکن می‌تواند در معماری مردمی و بومی به خود بگیرد را بیان کند: عامل مهمی که دلالت بر آن دارد این است که شکل بنا، قبل از هر چیز تحت تأثیر عامل فرهنگ است، یعنی عامل فرهنگ است که با تمام پیچیدگی و ظرافت خود هم زمان، عوامل دیگر شکل بنا را تعیین می‌کنند؛ بنابراین عامل تعیین کننده شکل بنا پدیده فرهنگ است؛ پدیده‌ای مهم پیچیده و ظریف.»

خسروافضلیان
۱۳۸۸

(۱) در ویرایش دوم کتاب در هم اکنون در دست دارید، متن ترجمه با نسخه انگلیسی مطابقت داده شده و در صورت لزوم اصلاح شده است. همچنین تصاویری از خانه‌های بومی به ابتدای هر فصل به این ترجمه اضافه شده است.

مقدمه چاپ دوم

دهه اول هزاره سوم را پشت سر گذاشته‌ایم و در دورانی قرار داریم که دنیای دیجیتال و روند رو به رشد کاربرد اینترنت بیش از پیش بر اهمیت ارتباطات تأکید دارد. حاصل این رویه نه تنها بر نگاه‌ها، بلکه بر شیوه زندگی تأثیر گذارده است. فارغ از جنبه‌های مختلف آن، یکی از این جلوه‌ها در نور دیده شدن مرزها و کم شدن فاصله‌ها است. [۱] از سوی دیگر نوید دهکده جهانی را می‌دهند؛ یعنی کوچکتر شدن جهان، ارتباط و مراوده بیشتر و شاید مشابه شدن انسان‌ها. در کنار این مشابه‌سازی‌ها، بسیاری بر ویژگی‌های فرهنگی تأکید دارند و کمرنگ شدن و در حاشیه قرار گرفتن آن را مطلوب نمی‌دانند و در پی حفظ و اعتلای هویت خویش‌اند. از میان جلوه‌های فرهنگ، معماری زمینه درخور توجهی است که خود در سیطره مشابه‌سازی گرفتار آمده است. این پدیده باعث شده تا بسیاری از معماران در اندیشه و نگاه خود به معماری، در پی تأثیرپذیری از عوامل مختلف از جمله فرهنگ و سنت معماری آن سرزمین و به روز کردن آن‌ها در معماری باشند؛ ایجاد شاخصه‌هایی در معماری که از درون ارزش‌های هر محیط برخاسته و با زمان خود هم‌آهنگ گردد.

سنت معماری هر سرزمین را تنها بناهای شاخص و صاحب سبک آن سرزمین که توسط معماران بنام هر دوره ساخته شده‌اند، تشکیل نمی‌دهد؛ بلکه معماری بومی (مردمی) را که بخش عمده و قابل توجه معماری است نیز در خود دارد و در این مقدمه به شیوه اطلاق، شاخصه‌ها و اهمیت آن به اختصار اشاره شده است تا موقعیت آن روشن‌تر گردد.

آن‌چه در حال حاضر در دنیای معماری، شهرسازی و دیگر هنرها و علوم می‌گذرد و متأثر از حرکت‌های اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژی و کاربرد آن است، بیشتر در دنیای غرب شکل گرفته است و سپس موجی از آن متوجه جهان ما نیز شده، بر معماری و دیگر زمینه‌ها نیز پرتو افکننده و به مشابه‌سازی و کمرنگ شدن هویت و نهایتاً کمرنگ‌تر شدن معماری و شهرسازی دوران کنونی نیز انجامیده است. اما معماری بومی یا ورناکولر یا معماری مردمی که با عناوین مختلف از آن یاد می‌شود، بخشی از هویت معماری هر منطقه و سرزمین را می‌سازد، بخشی در خور توجه که ریشه در فرهنگ، شیوه زندگی، سنت و... هر منطقه دارد و از بطن آن اجتماع برای پاسخگویی به نیاز مردم هر زمان بیرون آمده است. از سوی دیگر معماری بومی بر خلاف برخی تعاریف موجود از آن، حاصل شیوه زندگی ساده و ابتدایی نیست که در محیط‌های به دور از قاعده و قانون‌مندی شکل گرفته باشد. این نگرش یا ساده‌لوحانه است و یا ناشی از غافل ماندن از خصلت‌ها، قابلیت‌ها و چگونگی شکل‌گیری معماری بومی. به سادگی می‌توان دریافت که «معماری ورناکولر» در طی قرون با تکیه بر اصول مشخص شکل گرفته است. این اصول فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دفاعی، اقلیمی، فنی، مذهبی و حتی زیست محیطی پاسخی بهینه به نیاز آن روز سازندگان و استفاده‌کنندگان داشته‌است. نگاهی گذرا در مورد شیوه نامیدن این نوع معماری نشان می‌دهد که نظرات بسیاری درباره نامیدن آن وجود دارد. از سوی دیگر پرداختن به این نوع از معماری سابقه چندانی ندارد و شاید چند دهه بیشتر از آن نمی‌گذرد، هر چند که واژه «ورناکولر» به قرن نوزدهم برمی‌گردد. در آغاز واژه «معماری ابتدایی» برای متمایز کردن اینگونه معماری از معماری «پیشرفته» یا مدرن بکار برده شد، چراکه این معماری شامل بناهایی

می‌شود که تاریخ‌نگاران آن را ابتدایی نامیده‌اند، یعنی در فرایند تولید آن از اندیشه و تکنولوژی متعارف و گاهی محدود استفاده شده است. آیا چنین است؟ این معماری و اینگونه ساختمان‌ها، انعکاسی از هوشمندی، توجه و دقت، صبر و علاقه و به کار گرفتن تکنولوژی زمان بوده و شناختی دقیق از علم هندسه همسو با احترام به طبیعت و همگونی با محیط را نشان می‌دهد، افزون بر آنکه به ضرورت‌ها و نیاز دوران خود به خوبی پاسخ می‌دهد. معماری سنتی، نوع دیگر نام بردن از اینگونه معماری است که به بناهایی که در ادوار گذشته شکل گرفته و از شیوه خاصی در ساختمان آن‌ها استفاده گردیده است گفته می‌شود. نباید فراموش کرد که به دفعات معماران صاحب نام هر عصر و زمان به اینگونه معماری اندیشیده و با کمال مهارت و توان به ساختن آن‌ها پرداخته‌اند که نمونه‌های بسیاری از اینگونه معماری را در سرزمین خود شاهد هستیم.

فارغ از هر نام و شیوه تلقی از این گونه معماری، معماری بومی در رابطه تنگاتنگ و هماهنگی در خور توجه با محیط و بوم و طبیعت پا به عرصه وجود گذاشته و در کنار طبیعت و با الهام گرفتن از آن، با آن همزیستی نموده و برخلاف معماری مدرن که به معارضه با طبیعت پرداخت، در ترکیبی موزون با محیط و طبیعت با آن در آمیخته و به بیان طبیعت کمک نموده است و شاید بتوان گفت که این دو عنصر، طبیعت و معماری بومی به بیان هم زمان هم کمک کرده‌اند.

این همناواری و همسازی با عوامل طبیعی در معماری و شهرسازی دوران گذشته و رعایت بسیاری از عوامل از جمله سازگاری با اقلیم و صرفه‌جویی در مصرف انرژی، یکی از دغدغه‌های دوران کنونی نیز تبدیل شده است. هنگامی که از معماری بومی یاد می‌شود، ممکن است تصور کنیم که به نوع و شکلی از معماری نظر داریم که خاص یک منطقه معین است. اگرچه چنین دریافتی نادرست نیست، اما «معماری بومی» شامل بناها و آثار ساده و پیچیده و شگرف بسیاری است که در تمام پهنه این جهان در طی قرون شکل گرفته است. این معماری از اصول مشخص و دقیقی پیروی کرده و می‌کند: شیوه زندگی، فرهنگ، اقتصاد، عامل دفاعی، مذهب و سنت و اجتماع، ایستایی و استحکام و تکنولوژی، هندسه و فرم، ترکیب و تناسب و زیباشناختی، شناخت مصالح و کاربرد آن و در انتها شناختی از محیط و طبیعت و سازگاری با آن. سازندگان این آثار که اکثرشان بی‌نام و نشان مانده‌اند و باید در تاریخ معماری جایگاهی داشته باشند، آثاری را بر جای گذاشته‌اند که علاوه بر میراث معماری و فرهنگی هر پهنه، بخشی از تاریخ تمدن جهان را ساخته است و منابع الهام‌بخش مؤثری برای امروز و فردای ما هستند.^۲

درباره اینکه این نام از چه زمانی متداول گردیده و یا اینکه این نوع معماری را چگونه باید نامید، نظرات متفاوتی وجود دارد که در این مقدمه نمی‌گنجد. اما اشاره به این موضوع ضروری است که اینگونه معماری حاصل اتفاق نیست. در عرصه معماری و هنر هیچ چیز اتفاقی نبوده است. در هر شکل از هنر و معماری، بدون توجه دقیق به جنبه‌های مختلف و بدون وابستگی محیطی - در معنای وسیع آن - و نهایت دقت و سختگیری و تلاش و شناخت، رخدادی صورت نمی‌گرفته است. این دقت و توجه ناشی از ضرورت‌های معین است، ضرورت‌هایی که تنها جنبه مادی و عمل‌کردنی ندارد. [۲] این باور که صحبت از معماری بومی، نگاه و اذهان را همیشه متوجه گذشته می‌کند و از نوعی نوستالژی حکایت دارد و آمیخته با آن است و یا به

۲) نمونه این گونه الهام گرفتن‌ها کم نیستند و خصوصاً نزد معمارانی که دارای نام و شهرتی می‌باشند. می‌توان به کارهای بسیاری اشاره کرد؛ از کارهای رنزو پیانو و آندو و لوئی کان گرفته تا معماران کم نام و نشان و یا افراد فرهیخته‌ای چون راجرز در ساختمان دادگستری شهر لیون فرانسه

زمینه‌ای ارج می‌نهد که دوران آن سپری شده، هر چند گاه دور از واقعیت نیست، اما همیشه تصور درستی نیست؛ زیرا «معماری بومی با دوری گزیدن از افزوده‌ها و زوائد و همسویی با محیط و زمان و استفاده از ترکیب‌بندی آزاد و هندسه گویا و خوانا و رعایت احترام به طبیعت و همسوئی با آن از کاراکتری موزون و وقاری مناسب برخوردار است» [۳] که بسیاری از آثار آن که باید بحق آن‌ها را بخشی از معماری نخبه‌ناמיד با تمام توان و ابهت نه تنها بر تارک زمان خود درخشیده‌اند بلکه همچنان زیننده و درخشان مانده و منبع الهام امروز قرار گرفته‌اند.

یکی از نقدهایی که جریان پست مدرن به جنبش مدرن دارد، فراموش کردن انسان، به کنار نهادن سمبل‌ها و نقش تزئین در معماری بوده است. در معماری مردمی یا سنتی، احترام به انسان، سمبل‌ها و تزئین جایگاه خود را حفظ کرده و در عین وقار، سادگی و مردم‌واری با فروتنی خود را عنوان می‌کند. شاید بتوان گفت این معماری به اصطلاح آندو «دارای روح» است. شاید سازنده آن بیشتر با محیط و فرهنگ و تعلق‌های خود نزدیک بوده است. راپوپورت خود می‌گوید: «از خواص دیگر معماری بومی امکان توسعه آن است، بنای بومی بر حسب طبیعت آن غیر تخصصی است؛ بنایی است باز و کاملاً متفاوت از بنای بسته، یعنی یکی از خصلت‌های شاخص و غالب بیشتر بناهای صاحب سبک. این کیفیت به بناهای بومی امکان ایجاد تغییرات در آن را بوجود می‌آورد و به آن قابلیت توسعه را می‌دهد، تا بتواند خود را با شرایط دیگر و جدیدتر همسو نماید؛ امری که در بناهای صاحب سبک و مدرن وجود ندارد (یا کمتر دیده می‌شود) و یا باعث از بین رفتن ظاهر و شاید مفهوم آن گردد. بجای آنکه بناهای بومی خود را از طریق اجزاء معرفی کنند، بوسیله مهم‌ترین و بامعناترین روابط موجود عناصر تشکیل دهنده آن‌ها و طریقه رسیدن به این روابط مشخص می‌گردند. هنگامیکه صحبت از فضای باز در برابر فضای بسته می‌شود «معماری مردمی» فضایی است باز و کاملاً متفاوت از فضای بسته» [۱]

این نوشتار که تلاشی است در جهت شناسایی بیشتر معماری بومی، که در کتاب انسان‌شناسی مسکن به وضوح به ابعاد مختلف بخشی از معماری بومی - مسکن - پرداخته است و همچنان از تازگی برخوردار می‌باشد را با این نقل قول به پایان می‌برم: «در معماری بومی همانند هنر توده، فرآورده‌های هنری یا هنرنمایی‌ها حسب و حال عامه مردم است که متمایل به محو شدن در جمع می‌باشند. اما این نکته را نیز باید در نظر داشت که در عرصه ایجاد این فرآورده‌های هنری، شاخصه‌های واقع‌گرایی و حقیقت‌جویی که از خصلت‌های بارز هنر بومی هستند همچنان پابرجا به نظر می‌رسند» [۲]

خسروافضلیان
استادیار دانشکده هنر و معماری
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد
اردیبهشت ۱۳۹۲

منابع:

- ۱- ریچارد راجرز، شهرهای پایدار برای سیاره‌های کوچک، مترجم خسرو افضلیان، مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۲.
- ۲- تادائو آندو، هفت گفتگو با تادائو آندو، مترجم خسرو افضلیان، مشهد: آهنگ قلم ۱۳۸۹.
- ۳- لاله و لیلی بهمن بیجاری، بررسی معماری بومی با نگاهی به عوامل شکل دهنده آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد، استاد راهنما خسرو افضلیان، مشاور مهدی شیبانی، ۱۳۸۸.

در تأثیر عوامل مختلف بر شکل بنا فراوان سخن به میان آمده و تأکید بر اینکه عوامل فوق بر نیازها تکیه دارند نیز مورد توجه قرار گرفته است. اما آنچه آموس راپپورت در کتاب *انسان شناسی مسکن* مطرح می کند و در خور توجه می باشد این نقطه نظر است که عوامل تأثیرگذار بر شکل، بر نیازها و نوع آن تکیه نمی کند، بلکه به نوع پاسخی که یک فرهنگ به این نیازها می دهد، بستگی خواهد داشت.

کتاب با تکیه بر منابع متنوع و غنی و تجربه در خور توجه و شناخت عمیق نویسنده آن که به نقاط مختلف دنیا جهت مشاهده و بررسی دقیق نمونه ها و فرهنگ ها مسافرت کرده و به بررسی میدانی و مقایسه ای نمونه ها در بستر واقعی آن توجه ویژه نشان می دهد، به واکاوی دقیق پدیده سکنی گزیدن می پردازد و یک بار دیگر نشان می دهد که ارائه تحلیل ها و دیدگاه های یک سوپیه و یک بعدی که هم زمان تکیه بر یک عامل دارند؛ چه عامل اقلیمی، اجتماعی - فرهنگی، موقعیت، تکنولوژیک، مصالح یا مذهب و ...، نمی توانند و شکل های متفاوت و متنوعی را که مسکن می تواند در معماری مردمی داشته باشد را بیان کند. باید اضافه کرد همین نگاه و شیوه برخورد و نتیجه گیری می تواند در فضای مسکونی حال و اصولا معماری امروز صدق کند، شاید علت اصلی این باشد که شکل بنا قبل از هر چیز فرهنگی است؛ یعنی عامل فرهنگ است که با تمام پیچیدگی و اهمیت و ظرافت خود همراه و هم زمان عوامل دیگر، شکل بنا را تعیین می کنند. هنگامی که بتوان نقش عوامل مختلف را بر شکل مسکن تعیین کرد و عوامل تعیین کننده و تأثیرگذار متمایز گردید، بهتر و بیشتر به این زمینه پی خواهیم برد.

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان



شهرداری و
معماری و
کتابخانه تخصصی هنر